

غلام‌سخی رسولی از آن‌چه در افغانستان بر سرش آمده‌است، می‌گوید

# طالبان پایم را با آب جوش سوزاندند



«**یونسکو هیچ تحقیقی نکرد و دوتار را به نام ایران ثبت کرد. در حالی که باید اول تحقیق می‌کرد و پس از آن دوتار به نام افغانستان و ایران ثبت می‌شد تا همه می‌فهمیدند که دوتار در خراسان قدیم نولخته می‌شده است. چرا که فرهنگ ما یکی است، دین و مذهب ما یکی است. رسم و رسومات ما یکی است. ما سروته یک کرباسیم و تفاوتی نداریم**»

سیتاری که الان به نام هندوستان است اما در اصل از افغانستان، از خراسان بزرگ است. من چهار سال با انستیتوی ملی موسیقی افغانستان همکاری کردم و همین‌طور دو سال با ریاست تولید موسیقی رادیو و تلویزیون ملی افغانستان. با دانشگاه کابل دو سال همکاری کردم و شاگرد داشتم، با تمام هنرمندان کارهای زیادی کردم. مدت ۴۷ سال است که کارم این است.» این دوتارنواز ادامه می‌دهد: «من متولد هرات افغانستان هستم. منتهای کارم در کابل بوده است، در کنسرت‌ها و فستیوال‌های مزارشریف شرکت کرده‌ام، هندوستان رفته‌ام، فرانسه رفته‌ام، ایتالیا رفته‌ام، بلژیک رفته‌ام. عرض به حضور شما که اسپانیا رفته‌ام، هلند رفته‌ام. ترکمنستان، ازبکستان، دو مرتبه ترکیه. در ایران هم در هفته وحدت اجرا کرده‌ام و درکل کنسرت‌های زیادی داشتم‌ام.»

■ **طالبان می‌خواستند سازم را بشکنند**

رسولی با اشاره به خاطرات دردناکش از طالبان ادامه می‌دهد: «طالبان سری قبل مرا سوزاندند. شب مرا با ساز در محفل گرفتند

### «خیال گسیخته» در «ساربان»

نمایشگاه انفرادی نقاشی‌های صادق خلیفه با عنوان «خیال گسیخته» در گالری ساربان برگزار می‌شود. این نمایشگاه روز جمعه پیش‌رو (هفتم آبان) در گالری ساربان افتتاح می‌شود و شامل نقاشی‌هایی از خلیفه است که طی سال‌های ۹۶ تا ۱۴۰۰ خلق شدند. در بیانیه این نمایشگاه آمده است: آنچه بر ما رفته و می‌رود، همواره پنهان است و اغلب جای دیگری سر بر می‌کشد که هیچ انتظارش را نداریم و گویی همواره در تعلیق میان امر پنهان و چهره نابه‌جا آشکار آن به سر می‌بریم. صادق خلیفه در نوجوانی با تشویق بردارش به نقاشی علاقه پیدا کرد و توسط علیرضا همتی‌فرد با رنگ روغن آشنا شد. به گزارش مهر، نقاشی‌های خلیفه در این نمایشگاه شامل ۱۲ اثر با تکنیک رنگ‌وروغن و آکرلیک روی بوم و ۹ اثر با تکنیک مدادرنگ و گواش روی مقوا است.



### آیا چراغ تعزیه خاموش می‌شود؟



اجرا می‌کنند و بانوی بخش خصوصی آنها را حمایت نمی‌کند. مجللی افزود: برای نبود بانوی دلایل متعدد و نظریات شخصی زیادی وجود دارد، شاید هزینه‌های اقتصادی، از دنیا رفتن بانیان قبلی، بی‌علاقگی نسل جدید به بان‌ی شدن و اجرای نذورات از طرق دیگر موجب شده

برخی از کارشناسان سیاسی می‌گویند طالبان عوض شده که باید کمی صبر کرد و دید این ادعا تا چه اندازه درست است. ولی در پهنه فرهنگ و هنر، از همین الان مشخص است که این طالبان، همان گروهی است که ۲۰ سال پیش هم بر افغانستان حکومت کرد. آن‌ها همچنان با هفت هنر، مخالف هستند و اگر نه به شدت دوره گذشته، ولی همچنان پیگیر و جدی، دنبال خاموشی چنین فعالیت‌هایی در افغانستان هستند. در این میان، اوضاع موسیقی، بسیار بدتر از دیگر هنرهاست و فعالان آن، هیچ شناسی برای فعالیت و امیدی به آینده ندارند. با بازگشت طالبان، سازها دوباره شکسته شدند و هنرمندان باردیگر آواره؛ در این مبارزه طالبان با موسیقی، هیچ رشته و شاخه‌ای، مصونیت ندارد. در نگاه امارت اسلامی افغانستان، موسیقی نواحی یا ارکسترال، به همان اندازه موسیقی پاپ بد است و فرقی میان‌شان نیست. براساس همین دیدگاه است که موج بزرگی از اهالی موسیقی، در همین چند ماه، از افغانستان فرار کرده و به دیگر کشورها پناه برده است. یکی از این خیل هنرمندان، غلام‌سخی رسولی، دوتارنواز متولد ۱۳۴۴ در هرات افغانستان است که پس از مهاجرت از کشورش، به مشهد آمده و در همین شهر زندگی می‌کند. رسولی یکی از نوازندگان حاضر در چهاردهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران در کرمان بود که چند روز پیش برگزار شد. او که پس از سقوط کابل به دست طالبان (۲۴ مرداد ۱۴۰۰)، هرات را ترک کرد و به مشهد آمد، در افغانستان دوتارنواز گروه موسیقی مولانا بوده است. او می‌گوید: «محمدابراهیم احراری، نوازنده‌ی تا تشکیل گروه مولانا، موسیقی عرفانی را که در گذشته‌ها در حلقه‌های تصوف و خانقاه‌ها در هرات اجرا می‌شد به میان مردم آورد.» این گروه حدود ۱۵ سال است که با خواندن اشعار مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، برای رشد موسیقی عرفانی تلاش می‌کند. غلام‌سخی رسولی در مورد جشنواره‌هایی مانند جشنواره موسیقی نواحی و کارکرد آن، چنین می‌گوید: «اگر جشنواره نباشد، هنرمند، هنرمند را نمی‌شناسد و ارتباطات برقرار نمی‌شود. وقتی جشنواره برگزار می‌شود، ارتباطات برقرار می‌شود و هنرمندان سا فرهنگ‌های مختلف و آلات موسیقی مختلف آشنایی پیدا می‌کنند. این جمع‌شدن دور هم استفاده بسیار زیاد دارد.»

■ **۴۷ سال است که کارم موسیقی است**

او با بیان اینکه «ما از روزی که طالبان آمدند ساکن مشهد شدیم و قبل از آن در افغانستان بودیم»، می‌افزاید: «ما گروهی به نام گروه موسیقی مولانا داشتیم، خواجه محمدابراهیم احراری نی می‌نواخت، من تنبور، دوتار و سینتار هندوستانی می‌نواختم؛

### یوسف کارگر در آمریکا

یوسف کارگر فیلمساز، مدرس و مترجم ایرانی به عنوان داور بخش اصلی سی‌امین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم برکلی آمریکا انتخاب شد. کارگر که پیش از این داورِ جشنواره‌های مختلف ملی و بین‌المللی را عهده‌دار بوده است، دارای مدرک کارشناسی ارشد سینما از دانشگاه تربیت مدرس است و در دوره گذشته فیلم «جبرئیل» به کارگردانی او موفق به کسب جایزه بزرگ بهترین فیلم کوتاه خارجی و بهترین فیلمبرداری از این جشنواره شد و اسمال به عنوان یکی از داوران بخش مسابقه فیلم‌هایی از آمریکا، انگلیس، هلند، فرانسه، کانادا و … در همرا چهار داور دیگر قضاوت خواهد کرد. به گزارش صبا، جشنواره بین‌المللی برکلی که از قدیمی‌ترین جشنواره‌های مستقل فیلم در آمریکا است که از ۲۹ تا ۳۱ اکتبر در شهر برکلی ایالت کالیفرنیا برگزار می‌شود.



و می‌خواستند ساز را بشکنند و به گردنم بیندازند، با شلاق تازیانه بزَنند و در بازار بین مردم بچرخانند. من مقاومت کردم و گفتم مرگ را قبول می‌کنم اما اجازه نمی‌دهم این کار را با من بکنید. چون هنرمندم و بعد از آن دیگر نمی‌توانم بین جامعه بنوازم. آن‌ها هم آب جوش را روی سناق پایم ریختند. آن زمان امکانات نبود، آمدم ایران، درمان کردم و نزدیک بود پایم قطع شود. الان که آمدم ایران از ترس آن بود که باز گرفتار همان بدبختی شوم. ترسیدم که اگر سفر نکنم باز با من همان‌طور کنند. با زن و بچه‌ام آمدم این‌جا. خیلی از هنرمندان آمده‌اند و خیلی‌هایشان در حال آمدن هستند.»

■ **دوتار: سوغات هنری هرات یا میراث فرهنگی ایران؟**

رسولی در پاسخ به این سوال که نظرش نسبت به آن‌چه در سال ۱۳۹۸ رخ داد و طی آن فرهنگیان و شماری از اعضای نهادهای مدنی در غرب افغانستان با برگزاری نشستِی با عنوان «دوتار؛ زاده هرات و میراث خراسان» نسبت به ثبت این ساز به عنوان میراث فرهنگی ایران در سازمان علمی و فرهنگی سازمان ملل (یونسکو) اعتراض کردند، چیست می‌گوید: «یونسکو هیچ تحقیقی نکرد و دوتار را به نام ایران ثبت کرد. در حالی که باید اول تحقیق می‌کرد و پس از آن دوتار به نام افغانستان و ایران ثبت می‌شد تا همه می‌فهمیدند که دوتار در خراسان قدیم نواخته می‌شده است. چرا که فرهنگ ما یکی است، دین و مذهب ما یکی است. رسم و رسومات ما یکی است. ما سروته یک کرباسیم و تفاوتی نداریم.»

■ **شاگرد بسیار داشتم**

به گزارش خبرآنلاین، او در پاسخ به این سوال که هنگام حضورش در هرات شاگردانی داشته است که مشتاق آموختن موسیقی باشند هم می‌افزاید: «بله، من در حدود ۱۰۰، ۱۵۰ شاگرد ساز رباب دارم. کسانی که در اروپا هم هستند، در افغانستان، در کابل هم هستند، در هرات هم هستند، در همین ایران هم هستند، شاگرد دوتار دارم، شاگرد تنبور دارم، حتی شاگرد سینتار دارم. شاگردهای زیادی تربیت کرده‌ام. الان شاگرد رباب دارم که در سطح بالا می‌نوازد و در افغانستان است و هرمد به جایی فرار می‌کند و معلوم نیست کجا رفته است و نامش فرامحمد عزیزاده است. خانها هم می‌آمدند. در کابل، در هرات شاگرد خانم هم داشتم. عرض به حضور شما در همین ایران هم شاگرد دارم. یک خانمی در تهران است به نام بریسا علوی که سینتار هندوستانی پیشه کرده است. من هم از دخترخانم‌ها و هم از آقای‌سرها شاگرد زیاد داشتم اما طالبان همه چیز را از بین بردند.»

### جایزه برای «شکستن»

فیلم کوتاه شکستن به نویسندگی و کارگردانی محمدرضا بردبار تهیه‌کنندگی محمدرضا یعقوب‌زاده در جشنواره فیلم برزیل که روز دوشنبه (۲۵ اکتبر) برگزار شد علاوه بر کاندید در پنج رشته، جایزه بهترین فیلم و بهترین تریلر این فستیوال را از آن خود کرد. این جشنواره اولین حضور بین‌المللی شکستن به عنوان محسوب می‌شود. این فیلم که بخش بین‌المللی آن بر عهده موسسه «فیلم چی» است، به تازگی در جشنواره فیلم هند نیز پذیرفته شده و بزودی در این فستیوال روی پرده خواهد رفت. نگین صدق‌گویا، سام نوری، شهلا رحیمی، آزاده سعیدی، امیرعلی موسوی بازگیرانی هستند که در «شکستن» به ایفای نقش پرداخته‌اند. به گزارش ایرنا، این فیلم مضمونی معمایی و پلیسی دارد و در خلاصه داستان آن آمده است: آنچه که در عشق به نمایش گذاشته شده یک خیانت است، نه یک مهر…



است که تعزیه، بانیان و بنیان گذاران خود را از دست بدهد. وی خاطرنشان کرد: در دو سال اخیر نیز اپیدمی کرونا موجب شده که مردم نتوانند در کنار هم جمع شوند که همین موضوع نیز مزید علت شده و عملاً تعزیه در دو سال اخیر خیلی خیلی کم‌رنگ شده است. به آن اندازه که بر زنگ‌شدن آن در دوران پساکرونا امری بعید به نظر می‌رسد و متأسفانه مخاطب خود را نیز از دست داده است. مجللی ضمن اشاره به بی‌علاقگی و بی‌ رغبتی مردم در سال‌های اخیر نسبت به تعزیه اظهار کرد: ریزش مخاطب، تغییر نسل و عدم حضور بانیان، موجب عقب افتادگی تعزیه و ضربه به آن شده است. نکته قابل تشخیص پوسته‌اندازی در این حوزه است و متأسفانه راه نجات و محافظت از این آیین مشخص نیست. به گزارش ایسنا، وی تأکید کرد: خوشبختانه در برخی شهرها برخی مسئولین فرهنگی هستند که نسبت به این موضوع دغدغه‌مند هستند و می‌خواهند چراغ این حرفه و آیین روشن نگه دارند که امید است با تداوم این فعالیت‌ها، شاهد افول این هنر در کشور نباشیم.

### «کلارک» و «اجیوفور» کمدی بازی می‌کنند

تقسیم‌کنند. فیلمبرداری این فیلم در مارس ۲۰۲۲ آغاز می‌شود. کارگردان فیلم ایده فیلم را یک موضوع کمدی عنوان کرده است. مدیر اجرایی استودیو MK۲ درباره ساخت این ایده می‌گوید که داستان علمی تخیلی هنوز توسط بسیاری از کارگردانان زن مورد بررسی قرار نگرفته است و نشان‌دهنده زمینه مناسبی برای خلاقیت آنان است. «بارت» فیلم‌های کرده است، به گزارش تسنیم به نقل از وریٹی، «ندری پارک» فیلمبردار این فیلم است که در کارنامه خود فیلمبرداری از آثاری مانند صحنه‌هایی از یک ازدواج، وراثت، ولنتاین آبی و نگاهبانان را دارد.

ایجاد امید و کسب اعتماد چندان

سهل نیست اما از بین رفتن آن، آسان است و در صورت غفلت می‌تواند سریع‌تر از آنچه فکرش را می‌کنید دود شده و به هوا رود. دولت برای حفظ و افزایش این رضایت باید چندین نکته را به‌صورت مداوم مدنظر قرار دهد. یکی از این نکات اصلی و تعیین‌کننده در این خصوص، اطلاع‌رسانی به موقع، دقیق و صادقانه است. مردم باید در جریان مسائل کشور باشند. رئیس‌جمهور در جریان سفر به اردبیل در یکی از برنامه‌ها گفته است «مشکلات بیجا مانده از دولت قبل را به مردم منتقل نمی‌کنیم». این موضوع از جنبه‌ای درست و از جنبه‌ای دیگر قابل تأمل است. درست از آن رو که فرار نیست دولت سیزدهم نیز همان رویه غیرقابل قبول دولت تدبیر و امید را در انداختن تفسیرها بر گردن دولت پیش از خود تکرار کند. رویه‌ای غلط که تا روزهای پایانی دولت دوازدهم نیز ادامه داشت.

اما در عین حال باید این نکته را هم مدنظر قرار داد که جریان حامی دولت پیشین که زمینه‌ساز قیله‌ای و مغرورانه به راحتی قابل مشاهده است، و بدون شک در ماه‌های پیش‌رو شدت بیشتری نیز خواهد یافت. آنان در این پروژه سیاسی که مبتنی بر عملیات روانی است روی دو موضوع حساب ویژه‌ای باز کرده‌اند؛ نخست ضعف حافظه افکار عمومی و دوم توان خود در تحریف و جنجال‌سازی. محور اصلی این عملیات مبتنی بر دو موضوع مشخص مذاکرات برجامی و فضای مجازی است. درباره فضای مجازی، اتهام تلاش

برای ایجاد محدودیت و مسدود کردن، محور اصلی این عملیات روانی است که فعلاً می‌توان پندهای از آن را در نوع مواجهه با طرح صیانت از کاربران فضای مجازی در مجلس دید.موضوع مذاکرات برجامی از اهمیت و گستردگی بیشتری برخوردار است. خلاصه این عملیات روانی به زبان ساده از این قرار است؛ «کشور با مشکلات فراوان، بزرگ و لاینحلی مواجه است که تنها راه‌حل آنها کوتاه آمدن در مذاکرات هسته‌ای و عبور از خط قرمزهای تعیین شده است. دولت سیزدهم نیز چاره‌ای جز پیمودن مسیر دولت پیشین نداشته و تعلل و تردید در این گزاره قطعی، جز تشدید مشکلات نتیجه دیگری ندارد.» تکلیف طرف غربی و یاج‌خواهی آن روشن است و می‌ماند تصمیم تیم مذاکره‌کننده و دولت سیزدهم. اگر روی خطوط قرمز مبتنی بر تأمین منافع کشور و مردم ایستادگی کند و زیربار زیاده‌خواهی غرب نرود متهم به بی‌توجهی به مشکلات و انشاء‌خوانی در مذاکره می‌شود و اگر کوتاه بیاید که چه بهتر و معلوم می‌شود راه دولت پیشین و حامیان آن درست بوده است.

امروز نه امریکایی‌ها عوض شده‌اند و نه اروپایی‌ها. بلکه تجربه برجام آنها را وقیح‌تر و طلیکاتر تم کرده است. پس ناگفته و ندانسته قابل حدس است که نمایندگان آنها در مذاکرات چه می‌گویند و می‌خواهند. در چنین شرایطی یکی از برگ برنده‌های دولت فعلی اطلاع‌رسانی هوشمندانه است. دولت روحانی مدعی بود که کار به پایان رسیده بوده و مصوبه مجلس مانع احیای برجام و رفع تحریم‌ها شد اما حالا یک رسانه غربی فاش کرده است که آمریکایی‌ها حتی حاضر نبودند تضمین دهند تا پایان دولت بایند به تعهدات خود پایبند بمانند، چه رسد به دولت آینده ادعایی که علی‌رغم گذشت چند روز از طرح آنکه از قضا از سوی یک تحلیلگر ایرانی- آمریکایی نزدیک به مذاکرات برجام و حامی آن مطرح شده، هنوز از سوی تیم مذاکره‌کننده قبلی تکذیب نشده است.

■ **چوان خیز محمود عباس به سمت جو بایدن**

عباس در اول فوریه ۲۰۰۲ و در اعتراض به ادامه شهرک‌سازی‌های رژیم اسرائیل، انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس و مخصوصاً طرح صلح ترامپ مشهور به معامله قرن، روابط خود را با رژیم اسرائیل و آمریکا قطع و اعلام کرد که تشکیلات تحت ریاست او دیگر هیچ‌گونه ارتباطی با این دو از جمله در زمینه مسائل امنیتی نخواهد داشت. هرچند که ترامپ با وجود مخالفت جهانی انجام داد و سفارت آمریکا را از تل‌آویو به بیت‌المقدس آورد. بنابراین، عباس بدون به دست آوردن کوچک‌ترین امتیازی از این دو طرف، در نوامبر ۲۰۲۰ عقبنشینی کرده و حتی با لحنی متمسانه از بایندن می‌خواهد قطع رابطه را نادیده بگیرد و به درخواست‌هایش پاسخ مثبت بدهد.به نظر می‌رسد که تلاش عباس از

امریکا به دلیل نگرانی‌ای است که از استیلا‌ی عباس و همدستانش بر سافت و تشکیلات خودگردان ایجاد شده و نشانه آن با بحرانی دیده شد که از سوی دو جریان اصلی در سافت به نام جبهه دموکراتیک آزادسازی فلسطین و حزب الشعب پیش آمد. این دو گروه اعلام کرده بودند که دیگر در نشست کمیته اجرایی ساف شرکت نخواهند کرد و بازگشت آن‌ها مشروط بود. از مذاکرات نمایندگان سازمان فتح با نمایندگان جبهه دموکراتیک و الشعب معلوم شد که دلیل تهدید این دو گروه قطع بودجه آن‌ها توسط عباس از ژوئن تا سپتامبر بود و البته مسئله قتل نزار بنات، مخالف سیاسی عباس، و سرکوب شدن معترضان را نیز مطرح کرده بودند تا اینکه اعتراض‌شان تنها محدود به مسئله مالی نباشد. با این حال، معلوم بود که قطع بودجه علت اصلی تهدید آن‌ها بود و نمایندگان فتح با وعده پرداخت بودجه آن چهار ماه توانستند این دو گروه را راضی به نادیده گرفتن تحریم نشست‌های کمیته اجرایی ساف کنند. به این ترتیب، قطع کمک مالی آمریکا مایه نگرانی عباس شده که دیگر نتواند گروه‌های متحدش در سافت را مثل گذشته در کنار خود داشته باشد و این موضوع می‌تواند باعث سقوط او و دستگاهش بشود به خصوص اینکه حماس بعد از جنگ ۱۲ روزه ماه مه محبوبیت حماس و جهاد اسلامی را در کرانه باختری به نحو قابل توجهی افزایش داده است. به عبارت دیگر، محمود عباس بدون کمک‌های مالی آمریکا در بدترین شرایط در مقابل رشد محبوبیت حماس و جهاد اسلامی قرار گرفته و به همین جهت نیز به سمت بایندن خیز برداشته تا با کسب حمایت مالی از او به وضعیت آشفته‌اش سر و سامانی بدهد بدون اینکه کوچک‌ترین امتیازی از قطع رابطه با آمریکا و رژیم اسرائیل به دست آورده باشد.

■ **خراسان: دوراهی بورس یا اوراق بدهی؟**

این روزها که بورس با افت مداوم شاخص کل مواجه است، بحث‌ها بر سر دلایل آن بالا گرفته است. سیاست بسیار غلط دولت قبل در دعوت مردم به بورس و سینگنال محافظت از سرمایه مردم و حمایت از بورس موجب شد افراد زیادی روانه این بازار شوند. آزادسازی سهام عدالت نیز موجب شد منافع تعداد قابل توجهی از مردم به بالا و پایین رفتن شاخص کل گره بخورد. این سنگ بنای غلط در کنار کسری بودجه سال‌های اخیر و متأسفانه رشد شدید و غیرمستولانه هزینه‌های جاری در سال آخر فعالیت دولت دوازدهم باعث شد در عمل بودجه ۱۴۰۰ با کسری بودجه بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی بسفته شود و این همان عاملی نخست سال، سازمان برنامه با «کاسه چه کنم» سراغ جبران کسری بودجه برود. در گام نخست ۵۵ هزار میلیارد تومان تنخواه از بانک مرکزی دریافت شد. تنخواهی که مشخص بود فعلاً با اینن وضعیت بودجه بازپرداخت نخواهد شد. در نتیجه این تنخواه عملاً به استقراض از بانک مرکزی و رشد بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی نقدینگی و شکستن رکورد رشد نقدینگی چند دهه اخیر با رشد بالای ۴۰ درصد در طول یک سال انجامید. با تغییر دولت، تلاش‌ها برای جبران کسری بودجه از مسیرهای دیگر جدی‌تر شد. فروش اوراق بدهی که در ماه‌های نخست سال کمتر از پیش‌بینی بودجه انجام شده بود، با افزایش مواجه شد. با این حال تقریباً مشخص است که بازار سرمایه کشور که دو بال بازار سهام و بازار بدهی را دارد،نمی تواند همزمان با دو وزنه سنگین به مسیر ادامه دهد. اگرچه روز گذشته خاندوزی، وزیر اقتصاد در توثیبتی اعلام کرد که در هم‌راه دولت هیچ عرضه اوراق بدهی نداشته است ولی در عمل به دلایلی که شرح آن در این مجال نمی‌گنجد، حجم معاملات اوراق بدهی در فرابورس افزایش یافته است. این افزایش حجم معاملات اوراق بدهی عملاً موجب افت معاملات سهام در بورس شده است.

به طور مشخص ما در دوراهی قرار داریم که ممکن‌ترین مسیر برای جبران کسری بودجه تا پایان سال، فروش اوراق بدهی است. سایر درآمدها در کوتاه مدت قابلیت افزایش ندارد و ممکن است در بودجه سال آینده بتوان به تدریج با اقداماتی که وزارت اقتصاد در تعیین پایه‌های مالیاتی جدید و مولدسازی دارایی‌های دولت انجام می‌دهد یا امید به فروش نفت بیشتر و تداوم روند افزایش قیمت جهانی نفت به تراز شدن بودجه امیدوار بود ولی در کوتاه‌مدت نمی‌توان به جایگزینی جز اوراق بدهی فکر کرد و گزینه مستقر استقراض به صورت مستقیم از بانک مرکزی و چه به گونه‌ای که همته رییس کل اسبق بانک مرکزی مدعی شده است به صورت غیرمستقیم و با فشار به بانک‌ها منجر به رشد بیشتر نقدینگی و تورم سنگین‌تر خواهد شد.در این دوگانه بازار سهام و اوراق با انتخاب بین بد و بدتر مواجه هستیم. این انتخاب بین دو گزینه است: نخست، تداوم کسری بودجه، استقراض بیشتر، تورم سنگین‌تر و در نتیجه فشار بیشتر به ۸۵ میلیون ایرانی و در مقابل صعود بیشتر بازار سهام و منتفع شدن سهامدارانی که البته از جهاتی دیگر از رشد تورم متضرر می‌شوند. دوم، کاهش کسری بودجه، فروش بیشتر به ۸۵ میلیون ایرانی تدریجی‌ی تورم و کاهش فشار سنگین‌تورم موجود که بر دوش ۸۵ میلیون ایرانی سنگینی می‌کند.